مسؤلیت دینی نسل جوان

در عصر انترنت

دکتر یوسف قرضاوی

ترجمه: یعقوب خوش خبر

شناسنامه کتاب

کتاب: مسؤلیت دینی نسل جوان
در عصر انترنیت
نویسنده: داکتر یوسف قرضاوی
ترجمه: یعقوب خوش خبر
تایپ و صحافت: منصور جاهد
نشرات: انتشارات سیرت
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
صفحات: ٤٨

آدرس: کابل، دهمزنگ، سرک اول (مرکز کتاب فروشی کابل) داخل مارکیت حمیدالله محب زاده

شماره های تماس: ۰۷۰۰٦٦۳۰۱۳ - ۰۷۸۱٤٤٥۳۱٥

E-Mail: seerat@hotmail.com


بسم الله الرحمن الرحيم



تقدیم به:

عموی بزرگوارم شیخ محمود

همه ی جوانان برومند ایران اسلامی

همه ی جوانان برومند بندر کنگان

فهرست مطالب

پیش گفتار مترجم ۱

مقدمه ۳

مسلمان کیست؟ ٤

جوانی دوره ی نیرو و توان است ٥

جوانان حاملان وحی و رسالت ٥

الگوهایی خوب برای جوانان ۷

مسؤولیت های چهارگانه ی جوان مسلمان ۱۳

۱ - مسؤلیت فهم درست از اسلام ۱۳

۲ - مسؤلیت عمل به اسلام ۳۲

۳ - مسؤلیت دعوت به اسلام ٤۰

٤ - ارتباط و همکاری در راه دعوت ٤٦

پیش گفتار مترجم

با حمد و سپاس برای خداوند پروردگار جهانیان و با سلام و درود بر پیامبر محبوب، محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم و بر خاندان و یاران و پیروان راستینش.

جوامع بشری را می توان بر اساس افتخاراتی که در طول تاریخ به دست آورده و خدماتی که به بشریت عرضه داشته اند دسته بندی کرد. هر جامعه و ملتی که توانسته است بیشترین تاثیر را در زندگی انسان داشته باشد، مطمئناً در صدر این دسته بندی جای می گیرد.

جوانان در سیر تاریخی بشریت ثابت کرده اند که تنها کسانی هستند که می توانند سرنوشت ملت ها را دگرگون کرده و جامعه‌را به درستی از پله های ترقی بالا برند.

جوان محور اصلی جوامع اند، از این رو با به حرکت در آمدن آنان جامعه نیز حرکت کرده و با توقفشان جامعه نیز از حرکت باز می ایستد.

کتاب حاضر که از جمله سخنرانی های دکتر یوسف قرضاوی تدوین یافته است روی سخن خود را به جوانان مسلمان سرمایه های واقعی جوامع اسلامی نموده است و وظایف و مسؤلیت هایشان را به روشی

زیبا و با عباراتی آسان یاد آور می شود.

امیدوارم جوانان مسلمان با مذالعه ی این کتابه به مسؤلیت های خود بیشتر پی برده و بتوانند هر چه بهتر مایه ی سربلندی و سرافرازی امت اسلام گردند.

در پایان جا دارد از مدیریت محترم انتشارات ایلاف آقای مجید احمدی که در خدمتگذاری فرهنگی به همنوعان خود از هیچ کوششی- درغ ندارند و مرا نیز در کار این ترجمه مشوق و یاور بوده اند و سر انجام خود آن را بررسی و ویرایش نموده اند، سپا سگذاری کنم.

از خداوند منان خوا ستارم که همه ی این اعمال را در کارنامه اش به ثبت رساند و مورد قبول در گاهش قرار دهد.

(و آخر دعوانان ان الحمدلله رب العالمین)

یعقوب خوش خبر

تیرماه ۱۳۸۲ بندر کنگان

مقدمه

الحمدلله رب العالمین والصلاة والسلام علی اشرف الانبیاء والمرسلین

﴿رَبِّ ٱشۡرَحۡ لِي صَدۡرِي ٢٥ وَيَسِّرۡ لِيٓ أَمۡرِي ٢٦ وَٱحۡلُلۡ عُقۡدَةٗ مِّن لِّسَانِي ٢٧ يَفۡقَهُواْ قَوۡلِي ٢٨﴾[1]

(پروردگارا!! سینه ام را گشاده گردان، کارام را برای من آسان ساز و از زبانم گره بگشای (تا) سخنم را بفهمند)

پروردگارا! ای آموزگار آدم و ابراهیم دانشی- مفید به ما عطا فرماء و از آموخته هایمان بهره مندمان ساز و بر دانشمان بیفزای، تو را در هر حال سپاس می گوییم و از جهنم و احوال جهنمیان به تو پناه می بریم.

سخن اموز ما در مورد وظایف و مسؤلیت های دینی نسل جوان مسلمان در عصر حاضر خواهد بود: عصر ارتباطات و عصر انترنیت.

جوانی چیزی است و جوان مسلمان بودن چیز دیگر، جوان مسلمان وظایف و مسؤولیت هایی به دوش دارد که بنابر مقتضیات زمان و مکان تغییر می کند، بنگریم جوان مسلمان در عصر- حاضر چه

---

[1] - طه: ۲۵-۲۸

وظایف و مسؤلیت هایی به دوش دارد؟

مسلمان کیست؟

مسلمان همان انسانی است که اساس هستی به شمار می آید و از رسالتی جاویدان برخوردار است. مسلمان وارث شریعت و میراث به جای‌مانده از پیامبران است که همگی در اسلام به عنوان دین و راه زندگی نمود یافته است، و به سخنی دیگر همه ی آنچه که در ادیان گذشته وجود دارد، در دین اسلام خلاصه شده و تمرکز یافته است دینی که خداوند با اتمان آن بر بندگانش منت نهاده است، آنگاه که می فرماید:

(ٱلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلْإِسْلَٰمَ دِينًا)[2]

(امروز دین شما را برایتان کامل، و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را به عنوان آیینی برای شما برگزیدم).

مسلمان کسی- است که این رسالت را بر دوش می کشد: رسالت محمد صلی الله علیه وسلم رسالت قرآن، رسالت ماندگار.

---

۲ - المائده: ۳

جوانی دوره ی نیرو و توان است:

دوره ی جوانی، دوره ی نیرو، سر زندگی، شـــور و فعالیت ثمر بخش اســـت، زیرا جوانی میانه ی عمر انســـان اســـت و میانه ی هر چیز بهترین آن است.

خورشـــید وقتی در میانه ی روز در دل اســـمان قرار می گیرد به اوج گرما و روشنایی خود می رسد.

بنابر این جوانی مرحله ی مردانگی، شـور و نشـاط در زندگی انسـان است و به همین دلیل مهم ترین مرحله ی زندگی هر انسان به شمار می رود.

جوانی مرحله ی بذل و بخشـش و مرحله ی اسـتقامت و پایداری در برابر مشکلات است و از این روست که حاملان دعوت های آسمانی و حامیان آن ها همگی جوان بوده اند.

جوانان حاملان وحی و رسالت:

خداوند پاک و بلند مرتبه در باره ی یاران موسی علیه السـلام چنین با ما سخن می گوید:

(فَمَآ ءَامَنَ لِمُوسَىٰٓ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِۦ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِمْ

أَن يَفْتِنَهُمْ)

(سر انجام، کسی ــ به موسی ایمان نیاورد مگر فرزندانی از قوم وی، درحالی که بیم داشتند از آنکه مبادا فرعون و سرانآنان ایشان را آزار رسانند.)

و در باره ی اصحاب کهف می فرمایند:

(نَّحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ ءَامَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى)

(ما خبر شان را برتو درست حکایت می کنیم، آنان جوانانی بودند و بر هدایتشان افزودیم).

و از ابراهیم بت شکن خبر می دهد که همه ی بت ها را شکست و نابود ساخت، جز بت بزرگ که به شکل خود باقی گذاشت تا مشرکان به سوی او باز آیند، خداوند از زبان این مشرکان بت پرست می فرماید:

---

٣ - یونس: ٨٣

٤ - کهف: ١٣

(قَالُواْ سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُۥٓ إِبْرَٰهِيمُ)

(گفتند: شـــنیدیم جوانی، از آن ها (به بدی) یاد می کرد که به او ابراهیم گفته می شود).

و این بدین معناست که آن حضرت در سن جوانی و قدرت بود.

الگوهایی خوب برای جوانان:

قرآن کریم از جوانان بسیاری سخن گفته است که در فضائل و پاکی ها الگوهایی درخشان بوده اند:

اسماعیل فداکار:

قرآن کریم از حضرت اسماعیل علیه السلام خبر می دهد که او پس از اینکه با پدرش به جایگاه (سعی) رسید و پدرش به فرمان خدا سر بریدنش را به وی پیشـــنهاد می دهد، با اراده و اختیار خود به فرمان الهی گردن می نهد و خرســـند می شـــود تا جان خود را برای تحقق فرمان خداوند فدا نماید:

(فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ ٱلسَّـــعْىَ قَالَ يَٰبُنَىَّ إِنِّىٓ أَرَىٰ فِى ٱلْمَنَامِ أَنِّىٓ أَذْبَحُكَ فَٱنظُرْ

---

۵ - انبیاء: ٦٠

مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَـٰٓأَبَتِ ٱفْعَلْ مَا تُؤْمَرُ ۖ سَتَجِدُنِىٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّـٰبِرِينَ)

(و وقتی با او به جایگاه (سعی) رسید، گفت: ای پسرک من! من در خواب (چنین) می بینم که تو را سر می برم، پس ببین چه به نظرت می آید؟ گفت: ای پدر من! آنچه را ماموری بکن. انشـاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت).

جالب این جاست که او نگفت: در مورد من هر دستوری داری اجرا کن! بلکه گفت: دستور را اجراء کن، بدین معنا که از خود نامی به میان نیاورد، بلکه خود و ذات خود را در برابر فرمان حق ناد یده گرفت، انگار به پدرش می گوید: تو به دستوراتی که داری عمل کن و اصلاً از من نپرس.

یوسف صدیق:

قرآن از جوانی دیگر سخن می گوید به نام یوسف علیه السلام.

کسی- که شهوت و لذت جنسی- با همه ی جاذبه هایش به سویش شتافت، ولی او دلیرانه از آن سرباز زد درحالی که اگر ایمانش سست

---

n - صافات: ۱۰۲

بود همه ی عوامل برای پذیرفتن آن برایش آماده بود.

جوانی زیبا در عنفوان جوانی و قدرت، جوانی که در غربت است و کسی- که او را نمی شناسد تا بر اثر کارهایش سرزنش شود، مجرد است و همسری ندارد که عفت او را نگه دارد و با او از دیگری بی نیاز گردد، زنی هم که او را به خود فراخوانده است، زنی فاسد و خیابانی نیست، بلکه زنی است صاحب مقام و زیبایی، او همسر- چیره ی پادشاه است و یوسف خدمتگذار ساکن در خانه ی اوست!

این یک فتنه ی عارضی و لحظه ای نبود که یوسف به ان دچار شده بود، بلکه فتنه ای همیشگی که هر صبح و شب و وقت و بی وقت در معرض آن بود، علاوه بر این، این زن پادشاه است که او را به خود فراخوانده است و خواسته اش را در ابتداء با اشاره و کنایه ابراز نکرد، بلکه از آغاز آشکارا به او گفت: (هیتَ لک) (پیش ای).

اما یوسف صراحتاً از این عمل ابراز بیزاری و انزجار می نماید و می گوید:

(مَعَاذَ ٱللَّهِ ۖ إِنَّهُۥ رَبِّيٓ أَحۡسَنَ مَثۡوَايَۖ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ)

(پناه بر خدا! او (عزیز) سرور من است که مرا گرامی داشته، بیگمان

---

۷ - یوسف: ۲۳

ستمکاران رستگار نمی شوند.)

همسر پادشاه وقتی نتوانست با وسوسه و اغراء یوسف را به تسلیم خود در آورد به تهدید روی آورد و در برابر دیگر زنان با بیانی تهدید آمیز چنین گفت:

(وَلَقَدْ رَٰوَدتُّهُۥ عَن نَّفْسِهِۦ فَٱسْتَعْصَمَ ۖ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَآ ءَامُرُهُۥ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِّنَ ٱلصَّٰغِرِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ رَبِّ ٱلسِّجْنُ أَحَبُّ إِلَىَّ مِمَّا يَدْعُونَنِىٓ إِلَيْهِ ۖ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّى كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ ٱلْجَٰهِلِينَ ﴿٣٣﴾)

(آری، من از او کام خواستم و (لی) او خود را نگاه داشت، و اگر آنچه را به اودستور می دهم، نکند قطعاً زندانی خواهد شد و حتماً از خوار شدگان خواهد گردید. (یوسف) گفت: پروردگارا، زندان برای من دوست داشتنی تر است از آنچه مرا به آن می خوانند، و اگر نیزنگ آنان را از من باز نگردانی، به سوی آنان خواهم گرایید و از (جمله ی) نادانان خواهم شد).

یوسف علیه السلام تنها می توانست یکی از این دو سختی را برگزینند: سختی دین یا سختی دنیا.

۸- یوسف: ۳۲ - ۳۳

سختی دین این است که - پناه بر خدا، زنا کند و به شمار نادانان و فاسقان در آید و سختی دنیا اینکه به زندان افتد و تحقیر شود، ولی این جوان سختی دنیا را به جان خرید تا به دینش آسیبی نرشد و می گوید:

(ظب السجن احب الی مما یدعوننی الیه)

(پروردگارا! زندان برای من دوست داشتنی تر است از آنچه مرا به آن می خوانند).

پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم به ما یاد داده است تا بگوییم:

(اللهم لا تجعل مصیبتنا فی دیننا و لا تجعل الدنیا اکبر همنا ولا مبلغ علمنا)[۹]

(خداوندا! مصیبتمان را در دینمان قرار نده و دنیا را بزرگترین اندیشه و منتهای دانشمان مگردان).

اینان جوان بودند و حقیقتاً یک جوان باید چنین باشد.

جوانان همیشه سرچشمه ی نیرو و توانند و همواره مسؤلیت سنگین

---

۹ - حدیث حسن، ترمذی و حاکم آن ار از ابن عمر روایت کرده اند، صحیح الجامع الصغیر (۱۲٦۸)

جنبش ها و رسالت ها را به دوش می گیرند.

یاران پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم نیز همگی جوان بودند، پیرترین یاران معروف پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم ابوبکر صدیق رضی الله تعالی عنه است که هنگام مسلمان شدن فقط ۳۸ سال سن داشت.

عمر فاروق (رض) نیز ده سال از ابوبکر کوچکتر بود، حضرت علی (رض) روزی که مسلمان شد کمتر از ده سال سن داشت، و چه بسیارند اصحابی که در هنگام مسلمان شدنان در دهه ی دوم عمر خود بودند و ۱۲ تا ۱۵ سال بیشتر نداشتند، خداوند از همگی آنان خشنود باشد.

از این رو مسؤلیت و وظیفه ی جوان مسلمان به ویژه در عصر حاضر در برابر دین و امتش زیاد است و می باید خود را دریابد و به هویت و رسالت خود در دنیا آگاه گردد.

مسؤولیت های چهارگانه ی جوان مسلمان

چهار مسؤلیت اساسی بر دوش نسل جوان مسلمان در عصر حاضر قرار دارد که سخن ما در دایره ی آن ها خواهد بود.

۱ - مسؤلیت فهم درست از اسلام:

بدون شک نخستین مسؤلیت جوان مسلمان از میان این مسؤلیت های چهارگانه این است که اسلام را درست بشناسد، چون شناخت همیشه بر عمل مقدم است.

جوان مسلمان برای اینکه در دینش آگاه گردد، باید حقیقت اسلام را به درستی دریابد، مردم به اسلام ستم روا داشته اندو چیزهایی را به آن وارد کرده اند که اصلاً به آن ربطی ندارد و بسیاری از تعالیم اساسی را از آن حذف کرده اند، در زمان های گذشته مردم چیزهایی را به اسلام افزودند که از اسلام نبود، متاسفانه اموری شگفت و ناشناخته به اسلام وارد شد که ربطی به اسلام نداشت، در نتیجه زیبایی آن را خدشه دار و شفافیت آن را تیره نمود و بدعت هایی در آن پراگنده شد، سپس مردم چیزهایی را به نام اسلام که خداوند بر حقانیت آن ها هیچ دلیلی نفرستاده است، تحت عنوان (بدعت

حسنه) و (زیادة الخیر، خیر) پذیرفتند! در حالی که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلما مار از هر گونه افزودنی بر دین بر حذر داشته است، زیرا هر چیز که قابل افزایش باشد، قابل کاهش یافتن نیز است، اما کامل نه افزایش و نه کاهش می یابد. خداوند عزوجل خود این دین را کامل نموده است، از این رو هیچ افزوده ای را از کسی- نمی پذیرد:

(ٱلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلْإِسْلَٰمَ دِينًا)

(امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما (به عنوان) آیینی برگزیدم).

کسی- که بخواهد چیزی را به دین بیفزاید، گویا می خواهد عیب و نقص کار خدا را بر طرف سازد و گمان می کند این دین ناقص است و او می خواهد آن را کامل نماید.

از این رو پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم ما را از هر افزودنی به دین بر حذر داشته اند و می فرماید:

---

١٠ - ضرب المثل معروف عربی (زیادی خیر، خیر است)

١١ - المائده: ٣

(ایاکم و محدثات الامور، فان کل بدعة ضلالة)

(شـــما را از نو آوری ها در دین) بر حذی می دارم، زیرا هر نو آوری گمراهی است).

و می فرماید:

(من احدث فی امرنا هذا ما لیس منه فهو رد)

(هرکس چیزی را در این دین وارد کند که از آن نیست، مردود است).

بدعت گذاری و نو آوری در دین مردود است، اسلام نو آوری و ابتکار را در امور دنیوی و پیروی و عدم تعدی از احکام را در امور دینی واجب دانسته است.

متاســفانه وقتی اوضــاع مســلمانان به بدی گرایید و عصرــ عقب ماندگی، انحطاط و نابســامانی فرا رســید، وضــعیت تغییر یافت و به جای آنکه در امور دنیا به اختراع و نو آوری دست زنند در امور دین به نوآوری پرداختند و در نتیجه در امور دنیوی به پیشرــفتی دســت نیافتند و زندگی شان همچون آب راکد و گندیده گردید!

---

۱ - روایت ترمذی در: العلم حدیث (۲٦۷٦) و ابن ماجه در مقدمه حدیث (٤۲).

۲ - روایت بخاری در کتاب الصــلح، حدیث(۲٦۹۷) و مســلم در کتاب الاقضــیة، حدیث (۱۷۱۸)

امروزه در مسائل دینی بدعت ها و نوآوری هایی پدید آمده که خداوند هیچ دلیلی بر حقانیت آن ها نازل نفرموده است از این رو از جوانان مسلمان می خواهیم که به گونه ای صحیح و درست اسلام را دریابند تا دوباره آن را به شکل و شفافیت نخست و سرچشمه های اصلی اش باز گردانند.

در گذشته می خواستند به امور عقیدتی، فقهی و بسیاری از مسائل اسلامی، بیفزایند و در عصر حاضر می کوشند تا از اسلام بکاهند و بسیاری از تعالیم و احکامش را حذف نمایند، اسلامی می خواهند بدون جهاد، اسلامی منهای احکام، دیگر کسی- خواهان سنگسار کردن زناکار یا شلاق زدن شراب خوار و .... نیست.

اسلامی می خواهند که بسته به هیچ شرایطی طلاق و چند زنی در آن نباشد، اسلامی منهای دولت و حکومت، در نظر اینان حکومت چیزی است و دین چیزی دیگر، یعنی همان سکولاریزم یا جدایی دین از سیاست. برای اینکه حکومتی باشد که از دین در آن خبری نباشد یا دینی باشد که کاری به حکومت نداشته باشد.

همه ی این ها تلاش هایی است که برای کاستن از تعالیم اسلام و تهی نمودن آن از اصولش، اما ما همه ی این ها را رد می کنیم و هیچ زیادت و نقصانی را در حق اسلام روا نمی دانیم.

ما می خواهیم همه چیز به جای خود باشـــد، جای هر چیز را بنا بر حق تقدم وتاخری که دارد مشـــخص می کنیم، زیرا تعالیم اســـلامی همگی در یک مرتبه قرار ندارند، بلکه هر یک م رتبه ی خاص خود را دارا ست، مسائل عقیدتی پایه و اساس اسلامند، پس از آن فرائض و واجباتی قرار می گیرند که ارکان اسلام را تشکیل می دهند.

(بنی الاســلام علی خمس: شــهادة ان لا اله الا الله و ان محمدا ر سول الله و قام الصلاة وایتاء الزکاة و صوم رمضان و حج البیت من استطاع الیه سبیلا) (اسلام بر پنج رکن بنا شده است گواهی به آنکه خدایی جز الله نیســت و آنکه محمد فرســتاده ی خداســت و برپاداشــتن نماز و دادن زکات و روزی رمضــان و حج خانه ی خدا بر ای کسی ــ که بتواند به ســوی آن راه یابد) این ارکان نیز در درجه با یکدیگر مفتاوتند، نماز ستون دین و اساس دین است و زکات پل آن است و پس از این دو سایر ارکان قرار می گیرند.

در اسلام فرایض عینی وجود دارند که بر هر فرد مسلمان فرض است آن ها را انجام دهد. فرایض کفایی نیز هستند که بر عموم مسلمانان فرض اســـت، یعنی اگر گروهی آن را انجام دهند از گردن دیگران ساقط می شود. سپس سنت ها به میان می آیند که از جمله ی آن ها ســـنت های مؤکد اســـت که عمل به آن ها بســـیار مورد تاکید و

تشویق قرار گرفته است. علاوه بر سنت ها مستحباتی وجود دارند که در درجه ی پایین تری قرار دارند، طوری که انجام دهنده ی آن ها ثواب می بیند، ولی ترک کننده ی آن ها عذابی ندارد، بدین ترتیب مسائل و واجبات دینی در مراتب متفاوتی قرار دارند و همگی یکسان نیستند.

شرک نیز به شرک اکبر و اصغر تقسیم می گردد و گناهان به گناهان کبیره و صغیره تقسیم می شوند، گناهان صغیره و کبیره نیز در مراتب متفاوتی قرار دارند.

گناهان صغیره با نمازهای پنج گاه بخشوده می شوند در صحیح مسلم از پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم روایت کرده اند که فرمودند:

(الصلوات الخمس، والجمعة الی الجمعة، و رمضان الی رمضان مکفرات لما بیهن اذا اجتنبت الکبائر).

نماز های پنج گانه، و جمعه تا جمعه، و رمضان تا رمضان گناهان مابین خود را می زدایند به شرطی که از گناهان کبیره اجتناب شود).

اما گناهان کبیره فقط با توبه و برگرداندن حقوق دیگران بخشوده می شود.

همچنین شبهاتی وجود دارد که علماء در حلال بودن یا حرام بودنشان اختلاف نظر دارند، کسانی آن را حرام شمرده و کسانی دیگر آن را حلال دانسته اند که مطمئناً تحریم این گوه مسائل نمی تواند همچون حرمت مسائلی باشد که همگان بر حرمت آن ها اتفاق نظر دارند.

مکروهات نیز شامل مکروه تحریمی ، مکروه تنزیهی می شود

مکروه تحریمی مکروهی است که به حرام نزدیک تر است ، مکروه تنزیهی آن است که به حلال نزدیک تر باشد.

شایسته است هر چیزی را به جای خویش قرار دهیم، آنچه حق تقدم دارد، مقدم بدانیم و آنچه حق تاخر دارد به تاخیر اندازیم، مثلاً: نباید در مورد مساله ای که در درجه مکروه تنزیهی قرار دارد یا علماء در تحریمش اختلاف نظر دارند درگیری ایجاد کنیم!

از این سبب شناخت اولویت های دینی و مسائل اساسی دین ضروری می نماید.

- بنای عقاید بر توحید مهم ترین مساله است.
- به پاداشتن فرایض امری است که به هیچ وجه سهل انگاری در آن ها روا نیست.

- باید در حد توان از گناهان کبیره پرهیز کرد.

هدف ما این است که به هنگام شناخت اسلام و تعالیم دینی اولویت های آن ها را فرا گیریم و انگاه به دیگران آموزش دهیم.

دعوتگر باید به این مراتب و تفاوت های میان آن ها آگاهی کامل داشته باشد تا زندگی خود و دیگران را بر سر مسائل جزئی تباه نسازد.

امروزه معرکه ی اصلی پیش از هر چیز معرکه ی میان اسلام و کفر است.

در فهم اسلام می باید به نکات زیر توجه داشته باشیم:

اسلام را از سر چشمه های زلالش برگیریم، به کتاب خدا و سنت پیامبرش روی آوریم و به درک اصحاب پیامبر و تابعین که در بهترین زمان ها می زیسته اند و درکی صحیح و بی آلایش از اسلام داشته اند، باز گردیم، انان روح و پیامبر اسلام را بهتر از ما شناخته اند و در عمل به اسلام به مراتب از ما موفق تر بوده اند، می باید بکوشیم اسلام را از همان مدرسه ی نخست بیاموزیم، زمانی که هنوز هیچ شائبه ای به ان راه نیافته بود تا صفا و زلالی آن را تیره و کدر نماید.

بدون شک چیزهایی نظیر اسرائیلیات، روایات ضعیف، احادیث

موضـــوع، خیالات، افراط گری ها و انحرافات فکری که در نتیجه ی معاشرت مسـلمانان با دیگر ملت ها، امت ها و گروه ها و تاثیر پذیری شـان از آنان که به حکم طبیعت بشـری شـان صـورت می پذیرفت، فرهنگ اسلامی را خدشه دار نمود، باید به همه ی این امور از طریق دانشـمندان و پژوهشـگران اسـلامی آگاه شـویم، و بدانیم چنانکه از امام مالک و عطاء و ابن عباس (رض) روایت شده است:

(ان کل احد یوخذ من کلامه و یترک الا المعصوم صلی الله علیه وسلم)

(سخنان هر کسی را می توان پذیرفت یا رد کرد، جز سخنان معصوم (رسول خدا صلی الله علیه وسلم).

جوان مسـلمان باید از اسـلام فهم درسـتی داشـته باشـد، البته این بدین معنا نیست که ما از دانشجوی هر رشته ای بخواهیم که رشته تحصـــیلی خود را رها کرده و تنها به مطالعه ی کتاب های حدیث، تفسیر، فقه، اصول وغیره بپردازد.

ما تخصص دینی را از همه ی افراد نمی خواهیم هر چند باید در این زمینه نیز متخصـصـانی وجود داشـته باشـند، خداوند هر کسی- را به مسیری می برد که جهت آن آفریده شده است.

خداوند بلند مرتبه می فرماید:

(۞وَمَا كَانَ ٱلْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُواْ كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَآئِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُواْ فِى ٱلدِّينِ وَلِيُنذِرُواْ قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوٓاْ إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ)

(و شایسته نیست مؤمنان همگی (برای جهاد) کوچ کنند، پس چرا از هر فرقه ای از آنان دسته ای کوچ نمی کنند تا (دسته ای بمانند و) در دین اگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند، باشد که آنان (از کیفر الهی) بترسند).

پژوهش و تدبر در دین نوعی واجب کفایی است، از این رو باید کسانی این مسؤلیت را به دوش گیرند، طوری که بتوانند دین را به دیگران بیاموزند و مراجعی باشند که در امور دینی به آنان مراجعه کنند و پاسخ مسایل دینی شان را از آنان یاد گیرند.

نوعی شناخت دینی دیگری نیز وجود دارد که بر تک تک افراد جامعه واجب است تا به وسیله ای آن راه رسیدن به هدف بر او روشن شود، بر هر فرد مسلمان واجب است به اندازه ای که بتواند با دینش آشنا شود و از عقیده اش دفاع کند و امور عبادی اش را درست انجام دهد و رفتارش را سامان بخشد و در حلال و حرام و امر و نهی از احکام و

---

۱ - توبه: ۱۲۲

حدود الهی تجاوز نند و زندگی و وقت خود را تنظیم نماید، طوری که زمینه ای مناسب و محکم جهت شناخت اسلام و اخذ احکام از سر چشمه های زلالش به دور از زیاده روی و سهل انگاری به دست آورد ، هیچ چیز به اندازه ای افراط و تفریط ما را نابود نساخته است.

ما از جوان مسلمان که عامل به اسلام است می خواهیم که در درش خوا ندن بز دیگران پیشی ــ گیرد و به عنوان نمو نه ای برتر و میان نخبگان مطرح شود تا مردم بدانند که دین مانع رشد تحصیلی افراد نمی شود و در این زمینه باید مواظب با شد که همه ی مسؤلیت ها و واجبات را در جای خود قرار دهد و به هر چیز به اندازه ای آن ارزش دهد.

درس خواندن و موفق شدن در آن بر دعوتگر واجب و ضروری ا ست، چنانکه باید ضروریات برنامه ی زندگی خود را بر اســاس اموزه های دینی فرا گیرد.

به طور مثال یک جوان باید با احکام طهارت و نماز یا احکام اساسی مربوط به روزه آشنا شود تا بتواند نماز و روزه را درست انجام دهد، و اگر تصــمیم به زیارت خانه ی خدا دارد، مطالعه کتابی در زمینه احکام حج و فراگیری مسایل مربوط به آن لازم ا ست تا بتواند اعمال

حج را به درستی انجام دهد. البته ضرورتی ندارد تا همه ی افراد امت در مسایل و احکام حج به تحقیق و بررسی بپردازند، ولی چوان جوان بخواهد حج خانه ی خدای را بگذارد لازم است در باره احکام و آداب حج کتابی را مطالعه نماید.

اگر فردی قصد عمره داشته باشد، باید کتابی را در مورد احکام عمره مطالعه نماید، اگر خداوند ثروتی را در اختیارش گذاشت باید مسایل مربوط به پرداخت زکات را فرا گیرد. اگر تاجر است باید مسائل مربوط به تجارت و اصول خرید و فروش و مواردی همچون ربا، قرض، پیش خرید و غیره را که دانستن آن بر هر تاجری لازم است، فرا گیرد.

مسلمان باید احکام و آداب مربوط به کارهای روزمره اش از جمله خوردن، آشامیدن، دیدن و شنیدن و همه ی اموری را که در طول شبانه روز با آن ها در اراتباط است، فرا گیرد تا ندانسته مرتکب محرمات نشود یا اینکه از روی بی دانشی- کسی- را از انجام دادن امری مباح سرزنش و توبیخ نکند یا مکروهی را حرام و گناه صغیره ای را کبیره یا برعکس نپندارد.

---

۱ - در باره‌ی حج کتاب مفیدی از سوی انتشارات ایلاف چاپ و منتشر- شده است، تحت عنوان: حج، راهنمای راهیان خانه ی خدا، تالیف: محمد متولی شعراوی، ترجمه ی: مجید احمدی

چنین شناختی از اسلام ضروری است، چون اسلام دینی است که بر ا ساس دانش و آگاهی بنا شده ا ست، دین ا سلام مانند دیگر ادیان نیست که می گویند:

(کورکورانه به چیزی معتقد باش! چشم بسته پیروی کن! یا نادان با تقوا باش!)

(قُلْ هَٰذِهِۦ سَبِيلِىٓ أَدْعُوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ ۚ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا۠ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِى ۖ)

(بگو! این اســت راه من، که من و هر کس پیروی ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم).

پس هر کس که پیرو پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم باشد، جانشین اوســت و وظیفه اش این اسـت که با دلیل و برهان و دانش و معرفت به سوی خدا دعوت نماید.

قرآن می گوید:

(أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِۦ كَمَن زُيِّنَ لَهُۥ سُــوٓءُ عَمَلِهِۦ وَٱتَّبَعُوٓا۟ أَهْوَآءَهُم)

---

۲ - یوسف: ۱۰۸

۳ - محمد : ١٤

(آیا کسی که بر حجتی از جانب پروردگار خویش است. چون کسی است که بدی کردارش برای او زیباش جلوه داده شده است و (آنان) از خواسته های (نفسانی) خود پیروی کرده اند).

و می فرماید:

(أَفَمَن شَرَحَ ٱللَّهُ صَدۡرَهُۥ لِلۡإِسۡلَٰمِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٖ مِّن رَّبِّهِۦۚ)

(پس آیا کسی که خدا سینه اش را برای (پذیرش) اسلام گشاده، و (در نتیجه) برخوردار از نوری از جانب پروردگارش می باشد (همانند فرد تاریکدلی است)؟

و می فرماید:

(نُّورٌ عَلَىٰ نُورٖۚ يَهۡدِي ٱللَّهُ لِنُورِهِۦ مَن يَشَآءُۚ)

(روشنی بر روشنی است، خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می کند).

نور فطرت و عقل، نور وحی و نبوت، نور بر بالای نور!

اسلام هرگز نمی پذیرد که انسان در تاریکی حرکت کند یا با مغز

---

٤ - زمر: ٢٣

٥ - نور: ٣٥

دیگری بیندیشد یا اینکه در پی پیشگویان و شعبده بازان به راه افتد.

اسلام از مسلمان می خواهد که دین را دلیل و برهان بشناسد و به تعلیماتش آگاهی کامل داشته باشد و هر جا در مورد مساله ای دچار تردید شود به او حق می دهد دلیل آن را بخواهد تا قلبش آرام گیرد. مسلمان حق دارد دلیل احکام را بداند، اصلاً معنای واقعی علم، همان دانستن حقیقت همراه با دلیل آن است.

دانستن این مسائل به ویژه در عصر حاضر که مدت هاست مسلمانان نسبت به تعالیم اسلام در نادانی بسر می برند، یا آنان را نادان به بار آورده اند، ضروری می نماید. مدارس و کتاب های درسی گذشته، مسلمان را از شناخت اسلام دور نگه می داشت و تنها ظواهری از اسلام آن هم ظواهری تحریف شده به او یاد می داد.

جوان مسلمان به مدرسه وارد می شد و چون از آن فارغ التحصیل می شد، تاریخ اروپا را بهتر از تاریخ اسلام می دانست، در باره ی ناپلیون بیشتر از محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم می آموخت و از انقلاب فرانسه بیشتر از دوران دعوت اسلامی یاد می گرفت.

از سیرت نبوی جسته و گریخته چند صفحه بیشتر نمی خواند.

در باره ی یاران پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم چیزی جز آشوب ها

و درگیری های آنان با یکدیگر نمی آموخت. از رسالت جاودان محمدی و ابعاد شخصیت بزرگ محمد صلی الله علیه و سلم هیچ م علوماتی نداشت، نمی دانست که پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم چه چیزی را به جهانیان عرضه داشته است؟ ویژگی و خصوصیات نسل تربیت شده در مکتب نبوت چگونه بوده است؟ و چه چیزی باعث برتری آنان از دیگران شد؟ تمدن تکامل یافته ی اسلامی چگونه پدید آمد؟ همان تمدن ربانی، انسانی، جهانی و اخلاقی ای که اسلام ان را زمانی پدید آورد که غربیان از علم و تمدن جز بهره ای اندک نداشتند!

از این رو باید اسلام را خوب درک کنیم تا بتوانیم گرد و غبار شبهات را از ساحت آن بزداییم. ان را خوب فهم کنیم تا نخست خودمان با دلیل و برهان به آن عمل کنیم و سپس آن را به دیگران بفهمانیم و بتوانیم شبهات گمراهانی را که حق را به باطل در آمیخته اند و درغوگویی دروغگویانی را که به ناحق چیزهایی را بر اسلام بر می بندند و اموری بی ربط را به پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم و امت اسلامی نسبت می دهند، به خود شان باز گردانیم. نیازمندیم تا این شناخت اصولی و کامل را از دین پیامبر، قرآن، شریعت، تاریخ، امت و فرهنگمان داشته باشیم تا بتوانیم احقاق حق و ابطال باطل را علی رغم میل تبهکاران به جای آوریم. گرچه شایسته نیست که ما فقط

موضـــع تدافعی به خود گیریم. بلکه باید اســـلام را بشـــناســـیم تا با دشمنان مقابله کنیم و موضع مهاجم به خود بگیریم.

بدین صـورت که ما نباید تنها به دفاع و دفع شـبهات و اکاذیب و یاوه گویی های دروغگویان و دجال صفتان از قبیل خاورشناسان، مبلغان مسیحیت، مارکسیست ها، بی دنیان و مزدوران بسنده کنیم. بلکه باید پرده از یاوه گویی های آنان برداریم و گمراهی و بیهودگی و هرزگی معتقداتشـــان و هدایت و عظمت اعتقادات خود را روشـــن سازیم.

(وَمَا يَسْتَوِي ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِيرُ ﴿١٩﴾ وَلَا ٱلظُّلُمَٰتُ وَلَا ٱلنُّورُ ﴿٢٠﴾)

(و نابینا و بینا یکسان نیستند، و نه تیرگی ها و روشنایی).

و به همین دلیل باید دیگران را به دین خود دعوت کنیم، البته باید بر اسـاس درک و فهم باشـد، زیرا دعوتگر باید با دیدی باز دیگران را دعوت کند. از این رو باید مطالعه کنیم. زیرا ما امت خواندن و مطالعه هستیم.

نخستین آیه و کلمه ای که بر رسول اکرم صلی الله علیه وسلم نازل شـد (اقراء) یعنی (بخوان) بود و دوبار تکرار گردید خداوند بلند مرتبه

---

٦ - فاطر: ١٩ - ٢٠

می فرماید:

(ٱقۡرَأۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلَّذِي خَلَقَ ۝١ خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِنۡ عَلَقٍ ۝٢ ٱقۡرَأۡ وَرَبُّكَ ٱلۡأَكۡرَمُ ۝٣ ٱلَّذِي عَلَّمَ بِٱلۡقَلَمِ ۝٤ عَلَّمَ ٱلۡإِنسَٰنَ مَا لَمۡ يَعۡلَمۡ ۝٥)

(بخوان بنام پروردگارت که آفرید. انسان را از علق آفرید، بخوان و پروردگار تو کریمترین (کریمان) است. همان کس که به وسیله ی قلم آموخت. انچه را که انسان نمی دانست (به تدریج به او) آموخت).

این امت مطالعه که نام کتابش قرآن است، متاسفانه امروزه مطالعه نمی کند، در گذشته مسلمانان آنقدر می خواندند و می خواندند تا جایی که مسلمان در بستر بیماری و مرگ نیز دست از خواندن و مطالعه بر نمی داشت و می گفت: می ترسم یک روز از عمرم سپری شود ومن در آن چیزی نخوانده باشم!

سالمند آنان نیز دست از طلب، علم و دانش بر نمی داشت و چون به او می گفتند: تا کی می خواهید علم بیاموزید؟ در جواب می گفت: تا وقتی که زنده هستم. در روایات آمده است:

(**اطلب العلم من المهد الی الحد**) (زگهواره تا گور دانش بجوی).

---

۷ - علق: ۱-۵

از یکی از دانشمندان پرسیدند: آیا پیران نیز باید به دنبال تحصیل علم باشند؟ فرمود: وقتی نادانی مایه ی زشتی اوست پس دانایی مایه زیبایی اوست).

متاسفانه به زمانه ای مبتلا شده ایم که اکثرا خواندن را نمی شناسند و به کتاب عشق نمی ورزند، از این رو شایسته است که در برابر این معضل قد علم کرده و امت را به جهتی دیگر بر گردانیم تا به جای تلف نمودن وقت، مال و انرژی خود در امور بی ارزش و ناچیز، به مطالعه روی آورند و در این راه نهایت کوشش و تلاش خود را به کار گیرند.

پیشینیان می گفتند: علم هرگز بخشی از خود را به شما نمی دهد، مگر زمانی که شما همه ی وجودت را به آن بدهید: همه ی تلاش، وقت و نفسهایتان، تا علم بعضی از حقایق خود را به شما ارزانی دارد.

(وَمَآ أُوتِيتُم مِّنَ ٱلْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا)

(و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است).

لیکن آیا این به تنهایی کافیست؟ آیا همین که یاد بگیریم و دانشمند

---

۸ - اسراء: ۸۵

شویم، مسؤلیت هایمان به انجام رسیده است؟ آیا اسلام از ما می خواهد که فقط فیلسوفانی باشیم که رابطه مان با دین تنها یک رابطه ی ذهنی محض باشد؟ در جواب باید گفت: خیر!

۲ - مسؤلیت عمل به اسلام:

آری اسلام نمی پذیرد که مسلمان تنها معلوماتی به دست آورد و به درجات عالی علمی نائل گردد و دانشمندان و فیلسوف شود و آنگاه گمان کند مسؤلیتش تمام شده است، خیر! اسلام دانشی- را می خواهد که به میوه ی عمل مزین گردد، نه علمی که ثمره اش فقط بحث و جدل باشد، دانشی- می خواهد که بر دل اثر گذارد و قلب و وجدان وارادہ ای مسلمان را به حرکت در آورد، خداوند در مورد چنین دانشمندانی می فرماید:

(إِنَّمَا يَخْشَى ٱللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ ٱلْعُلَمَٰٓؤُا۟)

(از بندگان خدا، تنها دانایانند که از او می ترسند)

شناختی که انسان را به سوی تقوا و پرهیزگاری سوق دهد، پیامبر خدا (ص) از دانشی که سودی به حال صاحبش ندارد، به خدا پناه می برد و می فرماید:

---

۹ - فاطر:۲۸

(اللهم انی اعوذبک من علم لا ینفع، من قلب لا یخشع، و من عمل لا یرفع، و من دعوة لا یستجاب لها)

(خداوندا! از علمی که فایده ای ندارد، و از قلبی که خشوع ندارد و از عملی که مورد قبول واقع نشود و از دعایی که مستجاب نگردد به تو پناه می برم).

وقتی حضرت عمر بن خطاب (رض) از منافق دانشمند به خدا پناه برد از وی پرسیدند: چگونه ممکن است منافق دانشمند باشد؟ ایان فرمودن: وقتی به زبان دانا باشد و به قلب نادان!

روایت کرده اند: (علم دو نوع است: علمی که بر زبان جاری است و آن حجت خداوند بر بنی آدم است و علمی که در قلب است، و آن علم سودمند است).

خداوند بدترین مثال ها را در قرآن برای کسانی آورده است که به علمشان عمل نمی کنند، مثل خر و سگ.

خداوند می فرماید:

(مَثَلُ ٱلَّذِينَ حُمِّلُواْ ٱلتَّوۡرَىٰةَ ثُمَّ لَمۡ يَحۡمِلُوهَا كَمَثَلِ ٱلۡحِمَارِ يَحۡمِلُ أَسۡفَارَۢاۚ

---

۱۰ - روایت مسلم.

بِئْسَ مَثَلُ ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَـٰتِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّـٰلِمِينَ)

(مثل کسانی که (عمل به) تورات بر آنان بار شد (و بدان مکلف گردیدند) آنگاه آن را به کار نیستند، همچون مثل خری است که کتاب هایی را بر پشت می کشد. (وه) چه زشت است وصف آن قومی که آیات خداوند را به دروغ گرفتند، و خداوند مردم ستمگر را راه نمی نماید).

و می فرماید:

(وَٱتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ٱلَّذِىٓ ءَاتَيْنَـٰهُ ءَايَـٰتِنَا فَٱنسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ ٱلشَّيْطَـٰنُ فَكَانَ مِنَ ٱلْغَاوِينَ ﴿١٧٥﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَـٰهُ بِهَا وَلَـٰكِنَّهُۥٓ أَخْلَدَ إِلَى ٱلْأَرْضِ وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُۚ فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ ٱلْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْۚ ذَّٰلِكَ مَثَلُ ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَـٰتِنَاۚ فَٱقْصُصِ ٱلْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٧٦﴾)

(و خبر آن کس را که آیات خود را به او داده بودیم برای آنان بخوان که از آن عاری گشت، آنگاه شیطان او را دنبال کرد و از گمراهان

---

١١ - جمعه: ٥

١٢ - اعراف: ١٧٥ - ١٧٦

شد، و اگر خوا ستیم، قدر او را به و سیله ی آن (آیات) بالا می بردیم، اما او به زمین (دنیا) گرایید و از هوای نفس خود پیروی کرد، از این رو داستانش چون داستان سگ است (که) اگر پر آن حمله ور شوی زبان از کام بر آورد و اگر آن را رها کنی (باز هم) زبان از کام بر آورد، این، مثل آن گروهی اســت که آیات ما را تکذیب کردند. پس این داشتان را (برای آنان) حکایت کن، شاید که آنان بیندیشند).

این داستان کسانی است که به علمشان عمل نمی کنند.

اما مســلمان نماز را فرا می گیرد و به جای می آورد و فروتنی را می اموزد و فروتن می شود و احکام زکات را یاد می گیرد و زکات اموالش را می پردازد، حلال و حرام را به درستی فهم می کند و آنگاه از حرام دوری می گزیند و از حلال بهره مند می شود.

این همان علم مفید اســت، وقتی مسـلمان خود را به تعالیم اسـلام آراســته نماید و به عنوان الگویی زنده در میان مردم ظاهر شــود آن وقت اســت که نگاه مردم را به خود جلب می کند، و می گویند: چه زیباست تعالیم، آداب و رسوم اسلامی! چه زیباست اخلاق اسلامی، زیرا آن را به صــورت عملی و عینی می بینند، اســلام این گونه در جهان منتشر شده است، اسلام با سخنرانی و مقالات به اقصی نقاط جهان نرســیده، بلکه با رفتار و اخلاق مســلمانان به دیگران منتقل

شده است.

اسلام در طول تاریخ همچون سایر ادیان دارای مبلغان حرفه ای و آموزش دیده نبوده است، بسیاری از کسانی که اسلام را تبلیغ و منتشر کرده اند، مردمانی معمولی از میان تاجران، صنعتگران و حرفه داران بوده اند.

اسلام به دست بازرگانان حضرموت وارد اندونزی و بسیاری کشورهای دیگر شده است.

در گذشته ی نزدیک شمار زیادی از مردم کره ی جنوبی به تاثیر از رفتار نیکوی مسلمانان به اسلام گرویدند، سربازان ترک مسلمان که در جنگ کره حضور داشتند در وقت هر نماز همه ی کارهای خود را کنار می گذاشتند و پس از نظافت و گرفتن وضو با نظم و ادب و فروتنی به صف نماز جماعت می ایستادند، دیگر سربازها وقتی این صحنه را تماشا کردند، متاثر شدند و پرسیدند: شما چه کسانی هستید؟ جواب دادند: ما مسلمانیم، پرسیدند: اسلام چیست؟ آنان نیز در حد شناخت خود اسلام را به آنان معرفی کرده و از این راه (الگوی عملی نیک) هزاران کره ای مسلمان شدند.

اسلام تنها از راه الگوهای نیک و شایسته انتشار می یابد، مردم وقتی چهره ی اسلام را در رفتار و اخلاق نیک مسلمانی ببینند، اسلام را

نیز به خاطر دوستی او دوست خواهند داشت، بدین روش اسلام در گذشته انتشار یافته است، امروزه بزرگترین مانعی که نمی گذارد اسلام در سطح جهان منتشر شود اخلاق و رفتار خود مسلمانان است.

چهره ی اسلام در کتاب ها بسیار زیبا و جذاب است، ولی وقتی دیگر ملت ها به مسلمانان می نگرند، می گویند: چرا اسلام به پیروانش سودی نبخشیده است؟ چرا اسلام در زندگی پیروانش تاثیر گذار نبوده است؟

اسلام به نظم و انضباط فرمان داده است، ولی کشورهای اسلامی در بی نظمی و آشفتگی حکم مثل سایر پیدا کرده اند.

اسلام به همکاری و همبستگی فرمان داده است، ولی فردگرایی و پراکندگی کشورهای اسلامی از همه ی کشورها بیشتر است.

اسلام به نیرومندی و توامندی فرمان داده است، پس چرا مسلمانان این همه ضعیف و ناتوان هستند؟ اسلام به علم و پیشرفت فرمان داده است، ولی کشورهای اسلامی نمونه های بارز بی سوادی و عقب ماندگی به شمار می آیند.

یکی از غربیان که از راه مطالعه ی کتاب های اسلامی با اسلام آشنا

و مسلمان شده بود، دوست داشت اسلام را به صورت عملی و زنده در زندگی مسلمانان ببیند، به همین منظور تصمیم گرفت به حج خانه ی خدا برود، ولی وقتی به حج رفت و آن همه بی نظمی، بد اخلاقی و رفتار های شگفت آمیز و ناپسند را در میان مسلمانان دید آن جمله ی معروفش را بر زبان آورد:

(خداوند را سپاس می گویم که مرا پیش از آنکه با مسلمانان آشنا کند با اسلام آشنا نمود).

این درحالی است که خداوند بلند مرتبه در باره ی حج می فرماید:

(فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي ٱلْحَجِّ)

(در اثنای حج، همبستری و گناه و جدال (روا) نیست).

از این رو هر یک ازما می باید نمونه ی عملی اسلام و عضو زنده ی پیکر امت اسلامی باشد. قرآنی باشیم که بر دو پایش راه می رود، قرآن را با عمالمان تفسیر نماییم.

به همین خاطر ما بر راه و رفتار تاکید می کنیم: رفتار نیک و راه راست. اسلام از ما می خواهد که فرایض خداوند را به جای آوریم و از بدن، خانواده، مهمان، جامعه و خداوند بلند مرتبه هر کي بر ما

۱۳ - بقره: ۱۹۷

حقوقی دارند، که باید حقوق هر کدام را پاس بداریم.

در زندگی نوعی توازن و هماهنگی وجود دارد که مسلمان می باید نسبت به آن کوشا باشد، زیرا آن از پایه های اسلام است و به وسیله ی آن روش و رفتار مسلمان درست می شود، رفتار درست، ثمره ی فهم درست از اسلام است، رفتار ها نسبت به افراد مختلف، متفاوتند، چنانکه یک دانش آموز مرحله به مرحله پیشرفت می کند، مثلاً از راهنمایی به دبیرستان و دانشگاه و غیره بالا می رود، رفتار نیز ترقی می یابدو در یک سطح باقی نمی ماند.

در ابتدا مسلمان شاید به ادای فرائض و واجبات بسنده کند، ولی سپس سنت و مستحبات را نیز انجام می دهد، بعد از ان نماز شب را نیز می گذارد و به همین ترتیب پیشرفت می کند، در زمینه ی منهیات نیز چنین است، نخست از محرمات پرهیز می کند، سپس از شبهات دوری می کند، پس از آن خود را از مکروهات دور می سازد و سر انجام به زمره ی پرهیزگاران راستین در می آید و کارهای را که انجام دادنشان اشکالی ندارد، نیز از ترس اینکه مبادا در آن ها اشکالی باشد، ترک می گوید. شایسته است مسلمان همیشه اهدافی خیر خواهانه داشته باشد و با خداوند عزوجل رو راست باشد، چون اگر هدف درست باشد، مطمئناً مسیر حرکت نیز روشن خواهد بود.

٣ - مسؤلیت دعوت به اسلام:

مسؤلیت سوم هر مسلمان، مسؤلیت دعوت به سوی خداست، درستکار بودن فرد به تنهایی کافی نیست، بلکه اسلام از فرد مسلمان می خواهد که علاوه بر خویشتن دیگران را نیز به صلاح آورد و مردم را به صلاح و درستکاری دعوت نماید.

از این رو خداوند عزوجل در سوره عصر- یکی از شرایط نجات انسان از زیانکاری را در این دانسته که دیگران را به حق سفارش نموده و خود نیز سفارش دیگران را پذیرا شود:

(وَٱلْعَصْرِ ۝١ إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَفِى خُسْرٍ ۝٢ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوْا۟ بِٱلْحَقِّ وَتَوَاصَوْا۟ بِٱلصَّبْرِ)

(سوگند به عصر- (غلبه ی حق بر باطل) که واقعاً انسان دستخوش زیان است، مگر کسانی که مومن شده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش کرده و به شکیبائی توصیه کرده اند).

فرد مسلمان نباید به ایمان و عمل صالح بسنده کند، بلکه باید حق را به مردم رسانده و آن را از دیگران بپذیرد، یعنی این امر باید دو سویه باشد که در حقیقت معنای (تواصی) همین است. به همین

---

١٤ - العصر

دلیل باید نفس خود را در مسیر رحق، بسیج نماید و آن را بر شکیبایی و صبر در این مسیر عادت دهد. از این رو خداوند عزوجل سفارش به حق را همراه سفارش به صبر ذکر نموده تا این دو همیشه همراه یکدیگر باشند.

لقمان حکیم به هنگام دادن پند و اندرز به فرزندش می گوید:

(يَٰبُنَيَّ أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ وَأۡمُرۡ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَٱنۡهَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَآ أَصَابَكَۖ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنۡ عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ ﴿١٧﴾)

(ای پسرک من! نماز را برپادار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند باز دار، و بر آسیبی که بر تو وارد آمده، شکیبا باش، این (حاکی) از عزم (و ارادهٔ تو در) امور است).

صبر و شکیبای به ویژه در عص رحاضر لازم و ضروری می نماید، خداوند پاک و بلند مرتبه در آغاز عصر نبوت به پیامبرش می فرماید:

(إِنَّا سَنُلۡقِي عَلَيۡكَ قَوۡلٗا ثَقِيلًا ﴿٥﴾)

(در حقیقت ما به زودی بر تو گفتاری گرانبار (سنگین) القا می

---

١٥ - لقمان: ١٧

١٦ - مزمل: ٥

کنیم).

دعوت به سوی خدا بسیار دشوار و سخت است و ما وارثان این کار سخت و دشواریم.

در عصر حاضر سختی دعوت به سبب رویگردانی مردم از دین، کم شدن یقین، دنیاگرایی، پشت کردن به آخرت، وجود موانع بر سر راه خیر و افزایش امور گمراه کننده بیشتر شده است، به همین علت دعوتگران و اصلاحگران باید سختی بیشتری تاب آورند.

چه بسا دعوتگر در این راه موانع را در کنار خود حتی در منزل خود ببیند، ممکن است پدر، برادر، دوستان و خویشاوندان نزدیک بر سر راه دعوتگر قرار گیرند، و اراده اش را در این کار سست کنند و بگویند: تو به این مسائل چه کار داری؟ می خواهی تو را به زندان افکنند؟ می خواهی دستگیرت کنند؟ دوست داری شکنجه شوی؟ می خواهی این بلا و آن بلا را به سرت آورند؟

و اگر دعوتگر خانم باشد او را به سبب پوشش و حجاب شرعی مورد سرزنش و ریشخند قرار می دهند.

سال گذشته دختری دیدم که با روسری موها و گردن خود را پوشانده و لباس بلند و شرعی پوشیده بود، ولی امسال متوجه شدم که بر اثر

فشـــارهای خویشـــاوندان از جمله مادر، عمه، خاله، دختر عمه ها و دختر خاله ها که لباس شرعی و خجابش را به باد مســـخره گرفته بودند، حجا خود را به دور انداخته و بی حجاب شده بود.

طبعاً زنان با اراده و مؤمن نه تنها این فشـــارها را نادیده می گیرند، بلکه هر چه در این زمینه فشـــار بیشـــتر شـــود، پافشـــاری آنان نیز در رعایت حقوق و حدود خداوند بیشـــتر می شـــود، ولی متاســـفانه این خواهر مسلمان ایمانش ضعیف شده و تحت تاثیر این سخنان باطل و فساد انگیز قرار گرفته بود.

امروزه عوامل بسیاری وجود دارد که مردم را گمراه می کنند و آنان را از دین و ایمانشان جدا می سازند.

در حدیثی از پیامبر خدا (ص) آورده اند که فرمودند:

(ان القابض علی دینه کالقابض علی الجمر)

(کسی که دین خود را محکم نگه دارد بسان کسی است که اخگری را در دستان خود نگه داشته است).

نیکوکار در این ایام، ایام فتنه و آشـــوب، اجر و پاداش پنجاه صـــحابه پیامبر (ص) را دارد، پرســـیدند: پنجاه نفر از ما یا از خودشـــان؟ و حضرت فرمود: (بلکه پنجاه نفر از شما).

و در روایتی فرمود: (شما یاورانی را بر نیکوکاری می یابید، در حالی که آنان چنین یاورانی را نمی یابند).

پنابر این لازم ا ست علی رغم همه ی فشارهای خانوادگی، اجتماعی و سیاسی موجود با چنگ و دندان به اسلام ملتزم باشیم و دیگران را به آن فرا خوانیم.

پاید با همه ی این مشکلات ایستادگی کنیم و خود را نیرو و توان بخشیم، دعوتی نیست که نیاز به مقاومت و ایستادگی نداشته باشد، هر دعوتی دشمنان و مقاومت کنندگانی دارد، خداوند فرماید:

(وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَٰطِينَ ٱلْإِنسِ وَٱلْجِنِّ)

و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطان های انس و جن برگماشتیم).

و می فرماید:

(وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ ٱلْمُجْرِمِينَ)

(و این گوه برای هر پیامبری دشمنی از گناهکاران قرار دادیم).

---

١٧ - انعام: ١١٢

١٨ - فرقان: ٣١

کسی- که حضرت آدم علیه السلام را آفریده شیطان را نیز آفریده است.

کسی که ابراهیم علیه السلام را آفریده نمرود را نیز آفریده است.

و کسی- که موسی کلیم الله (علیه السلام) را آفریده فرعون را نیز آفریده است.

و کسی که محمد صلی الله علیه وسلم را آفریده ابوجهل را نیز آفریده است.

امثال فرعون و نمرود و ابوجهل در هر زمانی وجود دارند، هر چند اسم و نامشان فرق کند، ولی چه بسیارند گرچه نام های مختلفی دارند!

در این عصر- چنانکه آن را عصر- ایدیولوژی های نوین نامیده اند، کمونیست ها، یهودیان، اعضای فراموشخانه، مسیحیان، بهائیان، قادیانیان هر کدام پیروان و دعوتگران خاص خود را دارند، در این صورت آیا اسلام نباید دعوتگران و طرفدارانی داشته باشد؟

در حالی که اسلام به طبیعت خود دین دعوت و قابل انتشار است:

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن دَعَآ إِلَى ٱللَّهِ وَعَمِلَ صَٰلِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ

ٱلْمُسْلِمِينَ)

(و کیست خوش گفتار تر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و گوید: من (در برابر خدا) از تسلیم شدگانم).

به همین دلیل است که مای می گوییم جوان مسلمان باید خویشتن را بر دعوت به سوی خدا تربیت کند، و هیچ مسؤلیتی مهم تر و بزرگ تر از این مسؤلیت وجود ندارد، چون این مسؤلیت ادامه ی مسؤلیت پیامبران الهی ا ست، این مسؤلیت پذیری باعث می شود تا پذیرنده ی ان به ریسمان استوار الهی چنگ در زند، زیرا چون دیگرانرا به ا سلام فرا خواند خود نیز خواهد کوشید تا الگوی عملی خوبی برای مسایلی باشد که دیگران را به سوی آنها فرا می خواند و او را وامی دارد تا به آموزه های اسلامی پایبند باشد.

٤ - ارتباط و همکاری در راه دعوت:

جوانانی که خود را ملزم نموده اند تا دین را به درستی فراگیرند و به آن ایمان قوی داشته باشند و دیگران را به آن سفارش و دعوت کنند، لازم است با یکدیگر همکاری داشته بانشد و ارتباط خود را تقویت بخشند، در اسلام کاری به شکل انفرادی وجود ندارد، چون کار

---

١٩ - فصلت: ٣٣

انفاردی کافی نیست و ما را بی نیاز نمی گرداند.

کارها باید به صورت جمعی انجام یابد، منظورم از کار جمعی این است که ما با یکدیگر ارتباط برادرانه داشته باشیم، دوستی، دیدار، همنشینی و بخشش ما همگی به خاطر خدا باشد، در مسائل مشترک با یکدیگر به تفاهم برسیم، هر چند در روش دعوت به گروه های مختلفی وابسته باشیم.

در غیر این صورت هرگز نخواهیم توانست کاری را به پیش ببریم، چون به قول معروف یک دست صدا ندارد، خداوند بلند مرتبه می فرماید:

(وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍۚ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةٌ فِي ٱلْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ)

(و کسانی که کفر ورزیدند یاران یکدیگرند اگر این (دستور) را به کار نبندند، در زمین فتنه و فسادی بزرگ پدید خواهد آمد).

کافران به کمک یکدیگر می شتابند و همدیگر را یاری می کنند، ما نیز باید به کمک یکدیگر شتابیم و همدیگر را یاری کنیم و با هم در ارتباط باشیم تا اینطور نباشد که دعوتگران به باطل عملشان

۲۰ - انفال: ۷۳

منسجم، متشکل و هماهنگ باشد، ولی داعیان به حق از هم گسیخته و فرد گرا باشند، چون در این صورت زمین پر از فتنه و آشوب شده و فسادهایی بزرگ رخ خواهد داد.

و در پایان باید گفت:

جوان مسلمان باید این مسؤلیت های چهارگانه را خوب دریابد و از خود بپرسد که ایا حق آن ها را ادا نموده است؟ آیا این مسؤلیت ها را به دوش کشیده است؟ جوان مسلمان باید مسؤلیت خود را در عصر حاضر بداند و از رخدادهای تاریخی دور و نزدیک کمال بهره را ببرد و بیاموزد که چگونه در مسیر اسلام و همراه با اسلام حرکت نماید تا اسلام نیرو گیرد و حکومتی واقعاً اسلامی شکل گیرد.

مایه ی ننگ و زشتی مسلمانان است که هر مذهب و دینی دارای حکومت و کشور است، جز دین اسلام!

ما برای اسلام خواهان دولتی هستیم که بتواند عقیده، شریعت، اخلاق، فرهنگ، تمدن، نظام زندگی اسلامی را برپا کند، بدون شک ناگزیر چنین روزی خواهد رسید.

(و یومئذ یفرح المؤمنون - بنصرالله ینصر من یشاء و هو العزیز الرحیم - و عدالله لا یخلف الله وعده ولکن اکثر الناس لا یعلمون).

(و در آن روز است که مؤمنان از یاری خدا شاد می گردند، هر که را بخواهد یاری می کند و اوست شکست ناپذیر مهربان، وعده ی خداست، خدا وعده اش را خلاف نمی کند، ولی بیشتر مردم نمی دانند).

(و آخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمین)